رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۶، فروردین ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(1), 2025

مدل ساختاری سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق با نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی

The structural model of attachment styles and interpersonal problems of divorcing Couples with the mediating role of mentalization

سمیه پور شمس
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
لیلا ترابیان (نویسنده مسئول)
استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه دانش البرز، قزوین، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای ذهنی سازی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد در حال طلاق مراکز مشاوره شهر کرمان در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بودند. به روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای به تعداد ۲۷۰ نفر انتخاب و در مطالعه شرکت کردند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه مشکلات بین فردی (IPQ، بارخام و همکاران، ۱۹۹۶)، پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان (RAAS، کولینز، ۱۹۹۶) و پرسشنامه ذهنی سازی (MQ، فوناگی و همکاران، ۱۹۹۸) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی مشکلات بین فردی بودند (p‹۰/۰۰۱). همچنین سبک‌های دلبستگی به صورت غیر مستقیم از طریق ذهنی سازی توانستند مشکلات بین فردی زوجین را پیش‌بینی کنند (p‹۰/۰۰۱). این نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش مهم ذهنی سازی می‌توانند تبیین کننده مشکلات بین فردی زوجین باشند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های کاهش مشکلات بین فردی زوجین ضروری است.

واژه‌های کلیدی: *سبک‌های دلبستگی، ذهنی سازی، مشکلات بین فردی.*

Somayeh Pourshams
Master's student in clinical psychology, Department of Clinical Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Leila Torabian *
Assistant Professor, Department of Psychology, Danesh Alborz University, Qazvin, Iran.
L.torabian@yahoo.com

Abstract

This research was conducted to investigate the mediating role of mentalization in the relationship between attachment styles and interpersonal problems of divorcing couples. The current study was a descriptive-correlation type of structural equation modeling. The statistical population of the research was all the people undergoing divorce in Kerman city counseling centers in 2022 and 2023. Using the available sampling method, a sample of 270 people was selected and participated in the study. Research tools included: Interpersonal problems questionnaire (IPQ, Barkham & et al, 1996), revised adult attachment scale (RAAS, Collins, 1996), and mentalization questionnaire (MQ, Fonagy & et al, 1998). The data were analyzed using the structural equation analysis method. The structural equation analysis results indicated the model's appropriate fit. The findings showed that avoidant and anxious attachment styles were able to directly predict interpersonal problems (p<0.001). Also, attachment styles could indirectly predict couples' interpersonal problems through mentalization (p<0.001). These results show that attachment styles, considering the important role of mentalization, can explain couples' interpersonal problems, and it is necessary to pay attention to these factors in interaction with each other in programs to reduce couples' interpersonal problems.

Keywords: *Attachment Styles, Mentalization, Interpersonal Problems.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مهر ۱۴۰۳** **پذیرش: آبان ۱۴۰۳** **ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]

مقدمه

خانواده به عنوان کوچک‌ترین ساختار اجتماعی به شمار می‌آید و نقش حیاتی در جامعه ایفا می‌کند (پروایی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از چالش‌های جدی که بر سلامت خانواده تأثیر می‌گذارد، پدیده طلاق است. اصطلاح طلاق شامل هر دو نوع طلاق عاطفی و قانونی می‌شود (وانبرگ[۱] و همکاران، ۲۰۲۳). براساس اطلاعات سازمان ثبت احوال، در سال ۱۳۹۹، تعداد ۱۷۱۲۴۶ طلاق ثبت شده است. همچنین، آمارها نشان می‌دهند که از هر هزار ازدواج، تقریباً دویست مورد آن به جدایی می‌انجامد و ایران در مقام چهارم جهانی از نظر نسبت طلاق به ازدواج قرار دارد (پاداش و همکاران، ۱۳۹۹). طلاق می‌تواند به عنوان از هم پاشیدگی یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، یعنی خانواده، به شمار آید و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی به عنوان یک پروسه رسمی اتفاق می‌افتد (وولچیک[۲] و همکاران، ۲۰۲۳). این موضوع دارای جوانب گوناگونی است؛ اول اینکه جنبه‌ای روان‌شناختی دارد و نه تنها بر سلامت روانی دو فرد بلکه بر فرزندان و نزدیکان آن‌ها نیز تأثیرگذار است. دوم اینکه این مسئله اقتصادی است، زیرا به تضعیف خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی می‌انجامد و همچنین جنبه اجتماعی دارد؛ بدین معنا که عوامل و شرایط اجتماعی موجود و ساختار کلی جامعه می‌توانند به فروپاشی خانواده‌ها منجر شوند (پلون الیکسپورو[۳] و همکاران، ۲۰۲۴). تحقیقات نشان داده‌اند که عوامل متعددی از جمله مشکلات بین فردی[۴] زوجین با طلاق مرتبط هستند. مشکلات بین فردی به مشکلاتی اطلاق می‌شود که افراد در روابط خود با فردی دیگر یا گروهی از افراد دارند و باعث رنج قابل‌توجهی در آن‌ها می‌شوند (کاپلبرگ[۵] و همکاران، ۲۰۲۳). مشکلات بین فردی زوجین در کنار مشکلات فردی نقش مهمی را در گرایش به طلاق ایفا می‌کنند و این مشکلات بین فردی ممکن است ناشی از مشکلات فردی و تعارضات درون روانی آن‌ها باشد (فارل و مارکمن[۶]، ۲۰۲۱). مطالعات نشان داده است هرچه در حیطه روابط بین فردی مشکلات بیشتری وجود داشته باشد، رضایت از زندگی پایین‌تری توسط افراد تجربه خواهد شد (جانوفسکی[۷] و همکاران، ۲۰۲۰).

پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که عوامل مختلفی در ایجاد و حتی تداوم مشکلات بین فردی نقش دارند و یکی از این عوامل سبک‌های دلبستگی[۸] است (سولیوان[۹] و همکاران، ۲۰۲۰). سبک‌های دلبستگی به شیوه‌هایی اشاره دارند که افراد در ایجاد و حفظ روابط عاطفی و اجتماعی با دیگران عمل می‌کنند و معمولاً در دوران کودکی شکل می‌گیرند. این سبک‌ها شامل دلبستگی ایمن، دلبستگی نا ایمن اجتنابی و دلبستگی ناایمن اضطرابی هستند (سان و میلر[۱۰]، ۲۰۲۳). افراد با سبک دلبستگی ایمن به راحتی می‌توانند به دیگران نزدیک شوند و روابط پایدار و اعتمادسازی داشته باشند، در حالی که افراد با سبک‌های ناایمن ممکن است در ابراز احساسات دچار مشکل باشند یا از نزدیکی ترس داشته باشند (سکروبینسکا[۱۱] و همکاران، ۲۰۲۴). این دلبستگی‌ها می‌توانند نقش مهمی در مشکلات بین‌فردی زوجین ایفا کنند؛ به‌خصوص در ارتباطات، درک متقابل و حل تعارض‌ها (کوئلن[۱۲] و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعات نشان داده‌اند زوجینی که یکی یا هر دو طرف آن‌ها دارای دلبستگی ناایمن هستند، ممکن است با مشکلاتی مانند عدم ارتباط موثر یا ترس از نزدیکی مواجه شوند که این موارد می‌تواند به تنش‌های مستمر و در نهایت طلاق منجر شود (گوکداگ[۱۳]، ۲۰۲۱).

اگر چه به نظر می‌رسد سبک‌های دلبستگی، به میزان قابل توجهی در مشکلات بین فردی زوجین نقش دارند، اما مسیرهای دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند نقش مهمی را در مشکلات بین فردی زوجین ایفا کنند و به نوعی نقش واسطه داشته باشند. ذهنی سازی[۱۴] یکی از مسیرهایی است که به نظر می‌رسد نقش مهمی را در مشکلات بین فردی زوجین ایفا می‌کند (لو[۱۵] و همکاران، ۲۰۲۲). ذهنی‌سازی به توانایی درک و تفسیر افکار، احساسات و نیت‌های خود و دیگران اشاره دارد (لودمن[۱۶] و همکاران، ۲۰۲۱). این فرآیند به افراد کمک می‌کند تا رفتارهای خود و دیگران را بهتر بفهمند و از طریق تحلیل عاطفی، اجتماعی و شناختی، به پیش‌بینی واکنش‌ها و تعاملات میان فردی بپردازند (بتمن[۱۷] و همکاران، ۲۰۲۳). ذهنی‌سازی معمولاً در چهارچوب روابط شخصی به کار می‌رود و می‌تواند تاثیر بسزایی بر کیفیت روابط، به ویژه در روابط زناشویی و خانوادگی

1 Wanberg
2 Wolchik
3 Pellón-Elexpuru
4 interpersonal problems
5 Koppelberg
6 Farrell & Markman
7 Janovsky
8 attachment styles
9 Sullivan
10 Sun & Miller
11 Skrobinska
12 Koelen
13 Gökdağ
14 mentalization
15 Law
16 Lüdemann
17 Bateman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]

داشته باشد (تنزیلی[1] و همکاران، ۲۰۲۱). افرادی که دارای مهارت‌های ذهنی‌سازی قوی هستند، معمولاً توانایی بیشتری در حل تعارض، ایجاد ارتباط اثرگذار و مدیریت احساسات دارند. ناتوانی در ذهنی‌سازی می‌تواند منجر به سوءتفاهم‌ها، عدم همدلی و مشکلات ارتباطی شود که این امر می‌تواند منجر به بروز تنش و بحران در روابط شود (وانگر اسکاسل[2] و همکاران، ۲۰۲۲). از دیدگاه ذهنی‌سازی، مشکلات بین فردی را می‌توان به‌عنوان شکست‌های ارتباطی درک کرد (فوناگی[3] و دیگران، ۲۰۱۷). اگر ذهنی‌سازی توانایی ایجاد فرضیه‌هایی در مورد حالات ذهنی فرد دیگر را تقویت کند، آنگاه ذهنی‌سازی می‌تواند به‌عنوان یک حائل یا سپری عمل کند، به این معنا که وقتی کسی به شیوه‌ای پیش‌بینی‌نشده رفتار می‌کند، از نتیجه‌گیری‌های تکانشی در مورد حالات ذهنی دیگران جلوگیری می‌کند. این امر به‌ویژه با فرضیاتی مرتبط است که دیگران عمداً آسیب‌رسان هستند (فوناگی و لویتن[4]، ۲۰۱۸). برای افرادی که اختلالات دلبستگی را تجربه کرده‌اند، ممکن است تمایل بیشتری به تفسیرهای منفی از حالات روانی افراد دیگر وجود داشته باشد (فوناگی و کمپل[5]، ۲۰۱۶). درواقع، موقعیت‌های بین فردی مستلزم انعطاف‌پذیری افراد در تعاملات و فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی است. با توجه به اینکه چگونه افراد طیف وسیعی از حالات ذهنی پیچیده و ظریف را بیان می‌کنند، مشکلات در ذهنی‌سازی ممکن است هماهنگی افراد با دیگران، اصلاح رفتار و مشارکت در تعاملات اجتماعی مؤثر را دشوار کند (سیمونسن[6] و همکاران، ۲۰۲۲).

همانطور که بیان شد متغیرهای سبک‌های دلبستگی و ذهنی سازی با اثرات مختلفی که بر روی فرد دارند، می‌توانند مشکلات بین فردی در افراد را تسهیل کنند و یا مانع آن بشوند. با توجه به افزایش روزافزون آمار طلاق و تاثیرات منفی آن بر سلامت خانواده و جامعه، این پدیده می‌تواند پیامدهای کوتاه‌مدت برای گروهی و پیامدهای بلندمدت اجتماعی، روانی، جسمی و اقتصادی برای گروه دیگر به همراه داشته باشد. این تغییرات می‌تواند منجر به کاهش جایگاه خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، افزایش فردگرایی و تغییر در ماهیت روابط صمیمی شود. از این رو، تحلیل مدل‌های ارتباطی بین متغیرهای پژوهش حاضر می‌تواند به شناسایی روش‌ها و استراتژی‌های علمی و عملی که به کاهش مشکلات بین فردی زوجین کمک کند، منجر شود؛ بنابراین، هدف این پژوهش بررسی نقش میانجی ذهنی سازی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق بود.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد در حال طلاق در مراکز مشاوره شهر کرمان در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند که به روش در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۲۷۰ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کلاین[7] (۲۰۲۳) استفاده شد. بر اساس نظر کلاین حداقل حجم نمونه لازم برای مدل‌های ساختاری ۲۰۰ نفر است اما با توجه به افت احتمالی شرکت کنندگان و ناقص بودن برخی پرسشنامه‌ها حجم نمونه بر اساس عامل‌ها بیشتر (۷۰ نفر) در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، داشتن حداقل مدرک دیپلم، متقاضی طلاق بودن، عدم مراجعه به روان‌شناس و روان‌پزشک در یک سال گذشته و دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سوال‌ها بود. شرکت‌کنندگان به صورت آنلاین از طریق لینک دعوت پاسخگویی به پرسشنامه‌های این پژوهش در برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و ایتا، به پرسشنامه‌های موجود در پرس‌لاین پاسخ دادند. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه بود. همچنین در صورت تمایل از نتایج پژوهش، پس از اتمام پژوهش نتایج در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه مشکلات بین فردی[8] (IPQ): این پرسشنامه یک ابزار خود گزارش‌دهی است که گویه‌های آن در ارتباط با مشکلات است که افراد به طور معمول در رابطه بین‌فردی تجربه می‌کنند. این پرسشنامه شامل ۳۲ سوال است که توسط بارخام و همکاران (۱۹۹۶) طراحی شده است و در بررسی ایرانی به ۲۹ سوال تقلیل یافته است و بر مبنای طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملا مخالفم (۰) تا کاملا موافقم (۴) است. بارخام

1 Tanzilli
2 Wagner-Skacel
3 Fonagy
4 Luyten
5 Campbell
6 Adamsons
7 Kline
8iInterpersonal problems questionnaire

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]

و همکاران (۱۹۹۶) پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ را ۰/۸۶ گزارش کردند و نتایج روایی همگرا با پرسشنامه الکسی تایمیا نیز ۰/۶۳ گزارش شده است. این پرسشنامه در ایران توسط فتح و همکاران (۱۳۹۲) بررسی شده است و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد و روایی همگرا با آزمون آلکسی تایمیا با ضریب ۰/۶۹ مثبت و معنادار بود. در پژوهش حاضر ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بدست آمد.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان[1] (RAAS): مقیاس سبک دلبستگی کولینز[2] (۱۹۹۶) براساس نظریه دلبستگی هازان و شاور ساخت شده است. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ ماده کاهش پیدا کرد و دارای سه خرده مقیاس سبک اجتنابی، سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اضطرابی با ۶ ماده برای هر یک تشکیل شده است که نمرات آن از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) از "به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد" تا "کاملا با خصوصیات من تطابق دارد" سنجیده می‌شود. بالاترین نمره در هر یک از سبک‌های اجتنابی، ایمن و اضطرابی ۳۰ و در کل پرسشنامه ۹۰ و پایین‌ترین نمره در هر یک از سبک‌های دلبستگی ۶ و در کل پرسشنامه ۱۸ است. کولینز (۱۹۹۶) میزان آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۷ و ۰/۸۵ گزارش نمودند. پایایی پرسشنامه با استفاده از تحلیل خوشه‌ای و روایی همزمان با معیار سبک دلبستگی هازان و شاور (۱۹۸۷) عدد ۰/۶۱ به دست آمد و تأیید شد (کولینزو رید،۱۹۹۰). در ایران روایی محتوایی مقیاس با سنجش ضریب‌های همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ به دست آمد (بشارت، ۲۰۱۳). در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان پایایی آزمون با استفاده از بازآزمایی به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای پایایی است و این پرسشنامه دارای روایی محتوایی مناسب است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس دلبستگی برای یک نمونه ۲۵ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته ۰/۸۹ محاسبه شد (پاکدامن،۱۳۸۰). در پژوهش حاضر ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای سبک‌های اجتنابی، ایمن و اضطرابی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ بدست آمد.

پرسشنامه ذهنی سازی[3] (MQ): پرسشنامه ذهنی سازی توسط فوناگی و همکاران (۱۹۹۸) در قالب دو فرم ۴۶ سوالی و ۲۶ سوالی ساخته شده است که فرم ۲۶ سوالی آن در ایران توسط دروگر و همکاران (۱۳۹۹) هنجاریابی شده است که ۱۲ سوال آن به دلیل ضریب همسانی دورنی پایین از نسخه فارسی حذف و ۱۴ سوال آن حفظ شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملا غلط (۰) تا کاملا درست (۴) صورت می‌گیرد. در نسخه ۱۴ سوالی فارسی گویه‌های ۱ تا ۹ عامل اطمینان و گویه‌های ۱۰ تا ۱۴ عامل عدم اطمینان را می‌سنجند. ضریب همسانی درونی برای عامل اطمینان و عدم اطمینان به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۷ گزارش شده است. همچنین پایایی آزمون را با روش بازآزمایی با فاصله سه هفته برای مؤلفه عدم اطمینان، ۰/۸۵ و برای مؤلفه اطمینان، ۰/۷۴ گزارش شده است (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۶). دروگر و همکاران (۱۳۹۹) آلفای کرونباخ برای عامل اطمینان ۰/۸۸ و برای عامل عدم اطمینان ۰/۶۶ گزارش داده‌اند. همچنین این نویسندگان نشان دادند که هر دو عامل پرسشنامه روایی همگرا معناداری با ضریب همبستگی ۰/۱۷ تا ۰/۳۷ با پرسشنامه‌های اضطراب- افسردگی و دلبستگی دارند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های اطمینان و عدم اطمینان به ترتیب ۰/۸۳ تا ۰/۸۸ بدست آمد.

یافته ها

در این مطالعه که شامل زوجین مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره طلاق شهر کرمان بود ۲۷۰ شرکت کننده با دامنه سنی ۲۱ تا ۴۸ سال با میانگین سنی ۲۸/۳۲ و انحراف استاندارد ۷/۴۹ شرکت کردند که شامل ۱۷۴ زن (۶۴ درصد) و ۹۶ مرد (۳۶ درصد) بودند. از این بین ۳۵ (۱۳ درصد) آزمودنی تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، ۱۵۱ نفر (۵۶ درصد) تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس و ۸۴ نفر (۳۱ درصد) فوق‌لیسانس یا بالاتر بودند. در جدول ۱ ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- سبک دلبستگی ایمن	۱					
۲- سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۱۹*	۱				
۳- سبک دلبستگی اضطرابی	-۰/۲۴**	۰/۳۵**	۱			

1 revised adult attachment scale
2 Collins
3 mentalization questionnaire

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]

۴- اطمینان از حالات ذهنی	۰/۲۸**	-۰/۳۵**	-۰/۴۴**	۱		
۵- عدم اطمینان از حالات ذهنی	-۰/۳۱**	۰/۳۹**	۰/۴۹**	-۰/۶۳**	۱	
۶- مشکلات بین فردی	-۰/۳۱**	۰/۲۷**	۰/۳۳**	-۰/۵۲**	۰/۶۲**	۱
میانگین	۱۲/۹۴	۱۵/۲۵	۱۰/۵۸	۱۱/۴۵	۲۹/۳۱	۶۵/۵۶
انحراف معیار	۴/۳۴	۳/۱۱	۴/۵۳	۲/۷۵	۵/۹۷	۱۸/۱۰
کجی	-۰/۳۹	-۰/۸۷	-۰/۷۳	-۰/۶۵	-۰/۴۰	-۰/۵۲
کشیدگی	-۰/۲۹	-۰/۱۶	۰/۰۴	۰/۴۳	۰/۷۲	-۰/۹۲

* P‹۰/۰۵ **P‹۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین سبک دلبستگی ایمن (p<۰/۰۱، r=-۰/۳۱) و اطمینان از حالات ذهنی (p<۰/۰۱، ۰/۵۲-r=) با مشکلات بین فردی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی اجتنابی (p<۰/۰۱، r=۰/۲۷)، اضطرابی (p<۰/۰۱، r=۰/۳۳) و عدم اطمینان از حالات ذهنی (p<۰/۰۱، r=۰/۶۲) با مشکلات بین فردی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش همراه با کجی و چولگی بررسی شده است. پیش از تحلیل داده‌ها مفروضه‌های نرمال بودن و عدم همخطی بررسی شد که نتایج آن در ادامه بیان می‌شود. محاسبه چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مشهود، روشی رایج برای ارزیابی نرمال بودن است. چو و بنتلر[1] (۱۹۹۵) نقطه برش ۳ ± را برای مقدار چولگی مناسب می دانند. برای شاخص کشیدگی نیز به طور کلی مقادیر بیش از ۱۰ ± در مدلیابی معادلات ساختاری مسئله آفرین است (کلاین، ۲۰۲۳). مقادیر بدست آمده برای چولگی و کشیدگی متغیرها حاکی از تحقق پیش فرض نرمال بودن در متغیرهای پژوهش دارد. برای بررسی مفروضه‌ی عدم هم خطی از آماره‌های عامل تورم واریانس (VIF) و شاخص تحمل استفاده شد که با توجه به اینکه هیچ یک از مقادیر مربوط به شاخص تحمل کمتر از ۰/۴۰ و هیچ یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نیست، بر این اساس می‌توان نسبت به مفروضه عدم همخطی نیز اطمینان حاصل کرد. به منظور آزمون مدل مورد نظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری ذهنی سازی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.

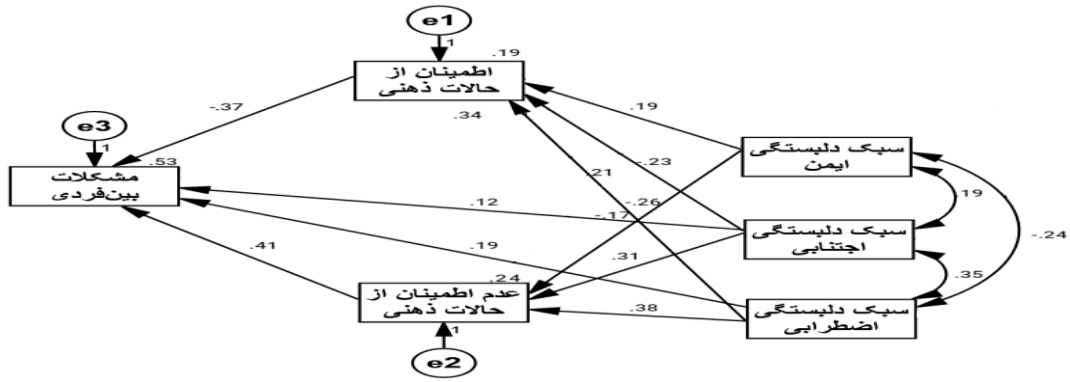

شکل ۱. مدل اصلاح شده سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق با نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی

در شکل ۱ مدل اصلاح شده‌ی پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند اصلاح و حذف شدند (p>۰/۰۰۱) و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با مشکلات بین فردی در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
سبک دلبستگی ایمن	اطمینان از حالات ذهنی	۰/۱۹	۰/۰۲۴	۳/۷۸	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی ایمن	عدم اطمینان از حالات ذهنی	-۰/۱۷	۰/۰۲۰	-۳/۴۱	۰/۰۰۸
سبک دلبستگی اجتنابی	مشکلات بین فردی	۰/۱۲	۰/۰۱۷	۲/۱۱	۰/۰۳۱
سبک دلبستگی اجتنابی	اطمینان از حالات ذهنی	-۰/۲۳	۰/۰۲۹	-۴/۴۸	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی	عدم اطمینان از حالات ذهنی	۰/۳۱	۰/۰۴۷	۶/۲۱	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی	مشکلات بین فردی	۰/۱۹	۰/۰۱۸	۳/۴۶	۰/۰۰۱

1 Chou & Bentler

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]

سبک دلبستگی اضطرابی	اطمینان از حالات ذهنی	-۰/۲۶	۰/۰۳۸	-۴/۵۷	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی	عدم اطمینان از حالات ذهنی	۰/۳۸	۰/۰۵۹	۷/۲۲	۰/۰۰۱
اطمینان از حالات ذهنی	مشکلات بین فردی	-۰/۳۷	۰/۰۴۳	-۶/۸۹	۰/۰۰۱
عدم اطمینان از حالات ذهنی	مشکلات بین فردی	۰/۴۱	۰/۰۵۶	۷/۹۳	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p‹۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شدند.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده با بوت استراپ

مسیر	Bootstrap	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
دلبستگی ایمن ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	-۰/۰۷	-۰/۲۲	-۰/۰۱	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۲۸	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	-۰/۰۹	-۰/۱۵	-۰/۰۳	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۴۲	۰/۰۰۱
دلبستگی اضطرابی ← اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	-۰/۱۰	-۰/۲۵	-۰/۰۲	۰/۰۰۱
دلبستگی اضطرابی ← عدم اطمینان از حالات ذهنی ← مشکلات بین فردی	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۴۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که اثر غیرمستقیم متغیرهای سبک‌های دلبستگی از طریق ذهنی سازی معنی‌دار است. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مدل نهایی
نسبت خی‌دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۱/۱۰
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۸
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۲
ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۳

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۳ سبک‌های دلبستگی به صورت غیر مستقیم از طریق ذهنی سازی توانستند مشکلات بین فردی را در زوجین پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی ذهنی سازی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی زوجین در حال طلاق انجام شد. یافته این پژوهش حاکی از آن بود که سبک‌های دلبستگی به صورت غیر مستقیم از طریق ذهنی سازی توانستند مشکلات بین فردی را در زوجین پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج سیمونسن و همکاران (۲۰۲۲)، لو و همکاران (۲۰۲۲)، گوکداگ (۲۰۲۱) و فوناگی و کمپل (۲۰۱۶) همسو بود. سبک دلبستگی ایمن به عنوان یک الگوی روانشناختی مثبت، تأثیر مستقیمی بر توانایی افراد در مدیریت ارتباطات بین فردی دارد. در این راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افرادی با سبک دلبستگی ایمن معمولاً دارای مهارت‌های بالاتری در ذهنی‌سازی هستند (فوناگی و کمپل، ۲۰۱۶)؛ یعنی آن‌ها قادرند احساسات، نیازها و افکار خود و دیگران را بهتر درک کنند. این توانایی ذهنی‌سازی، به زوجین کمک می‌کند تا در مواقع تنش و تعارض، به شیوه‌ای همدلانه و سازنده واکنش نشان دهند و از بروز مشکلات بین فردی جلوگیری کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت که سبک دلبستگی ایمن از طریق تقویت مهارت‌های ذهنی‌سازی، به شکل غیر مستقیم به کاهش مشکلات بین فردی در روابط زناشویی منجر می‌شود (سیمونسن و همکاران، ۲۰۲۲). این ارتباط نشان‌دهنده اهمیت درک دلبستگی در فرآیندهای ارتباطی و حل تعارض بین زوجین است. علاوه بر این، افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، توانایی بیشتری در ابراز احساسات و نیازهای خود دارند. این ویژگی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]

به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با ناامیدی‌ها و چالش‌های موجود در روابط، بدون ترس از رها شدن یا قضاوت شدن اقدام کنند. این افراد همچنین تمایل بیشتری به شنیدن و درک نقطه نظرهای شریک خود دارند که این امر موجب تقویت ارتباط و کاهش سوءتفاهم‌ها می‌شود. به عبارتی دیگر، ذهنی‌سازی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در شرایط بحرانی، وضعیت عاطفی یکدیگر را درک کرده و به صورت مؤثرتری بر روی راه‌حل‌ها تمرکز کنند (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۷).

از دیگر سو سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی به عنوان یک الگوی ارتباطی منفی، معمولاً با اضطراب و ترس از وابستگی همراه است که می‌تواند تأثیر منفی بر رابطه‌های بین فردی به ویژه در زوجین داشته باشد (سان و میلر، ۲۰۲۳). افراد با این سبک دلبستگی، معمولاً تمایل دارند که احساسات و نیازهای عاطفی خود را سرکوب کنند و از دیگران فاصله بگیرند؛ بنابراین، آن‌ها به سختی می‌توانند درک بهتری از نیازها و احساسات شریک زندگی خود داشته باشند (سکروبینسکا و همکاران، ۲۰۲۴). این عدم توانایی در ذهنی‌سازی، به دلیل ناتوانی در پردازش و بیان احساسات، منجر به سوءتفاهم‌ها و تعارضات در رابطه خواهد شد. از آنجا که این افراد معمولاً به جای نزدیک شدن به شریک خود، به اجتناب از عواطف و تعاملات عمیق روی می‌آورند، این رفتار می‌تواند به تضعیف ارتباط عاطفی و در نهایت بروز مشکلات بین فردی منجر گردد؛ بنابراین، سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، از طریق کاهش توانایی ذهنی‌سازی و قصور در برقراری ارتباط مؤثر، به طور غیر مستقیم قادر است مشکلات بین فردی در روابط زناشویی را پیش‌بینی کند و کیفیت رابطه را به خطر اندازد. همچنین سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی، به عنوان یک الگوی دلبستگی که با احساس ناامنی و اضطراب در روابط عاطفی همراه است، می‌تواند تأثیرات معنی‌داری بر کیفیت ارتباطات بین فردی در زوجین داشته باشد (سولیوان و همکاران، ۲۰۲۰). افرادی که دارای این سبک دلبستگی هستند، معمولاً درگیر احساسات شدید و ناپایدار نسبت به شریک زندگی خود می‌شوند و ممکن است به شدت به تأیید و حمایت عاطفی نیاز پیدا کنند. این نیاز مداوم به تأیید و خروج از حالت تنهایی، آن‌ها را به سمت رفتارهای وابسته و دوگانه سوق می‌دهد که می‌تواند ارتباط را متشنج کند. همچنین، این افراد ممکن است در ذهنی‌سازی ضعیف عمل کنند؛ به این معنا که توانایی آن‌ها برای درک و پردازش احساسات و نیازهای خود و شریکشان محدود است (سیمونسن و همکاران، ۲۰۲۲). این ناتوانی در ذهنی‌سازی می‌تواند به سوءتفاهم، ایجاد تعارض و تنش‌های بین فردی منجر شود و در نتیجه مشکلات بیشتری را در رابطه ایجاد کند. به این ترتیب، سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی از طریق تأثیر بر نحوه تعامل و درک عاطفی زوجین، به صورت غیر مستقیم به پیش‌بینی مشکلات بین فردی در روابط زناشویی کمک می‌کند. این نوع دلبستگی می‌تواند منجر به الگوهای ارتباطی تکراری مانند شک و تردید، انتظارات غیرواقعی و نیازهای عاطفی غیرمنطقی شود که تمامی این موارد بر روابط عاطفی تأثیر منفی می‌گذارد. به علاوه، ارتباط ناپایدار و عدم اطمینان به پیام‌ها و نشانه‌های عاطفی طرف مقابل، می‌تواند فضای منفی و تنش‌آوری را ایجاد کند که باعث می‌شود زوجین به‌جای حل مشکلات به درگیری و فاصله‌گذاری بپردازند. این چرخه منفی می‌تواند به مرور زمان مشکلات عمده‌تری را به وجود آورد و روابط را به سمت بحران سوق دهد (فوناگی و لیتون، ۲۰۱۸).

در نتیجه، سبک دلبستگی ایمن می‌تواند به صورت موثری به پیشگیری از بروز تعارضات و از بین بردن مشکلات بین فردی منجر گردد و کیفیت رابطه را ارتقا دهد و سبک دلبستگی ناایمن به صورت عکس عمل کرده و باعث کاهش کیفیت روابط بین فردی خواهد شد؛ بنابراین، درک این که چگونه سبک‌های دلبستگی بر عملکرد ذهنی‌سازی و در نتیجه بر کیفیت ارتباطات بین فردی تأثیر می‌گذارد، می‌تواند به شناسایی و بهبود روش‌های برقراری ارتباط در روابط زناشویی کمک کند و به زوجین این امکان را دهد که با درک بهتر از احساسات و نیازهای یکدیگر، رابطه‌ای پایدارتر و سالم‌تر بسازند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع روش پژوهش اشاره کرد که به‌تبع از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت دارند. همچنین به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی برای بررسی این متغیرها استفاده شود تا تعمیم آن به سایر جوامع آماری آسان‌تر شود و همچنین به متغیرهای دیگری که می‌توانند مشکلات بین فردی را بیشتر مشخص کنند، توجه شود.

منابع

پاداش، ز؛ یوسفی، ز؛ عابدی، م؛ و ترکان، ه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی مشاوره زناشویی به‌روش گاتمن بر میل به طلاق و دلزدگی زناشویی زنان متأهل متمایل به طلاق. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۰، ۱۵۴. http://dorl.net/dor/20.1001.1.23222840.1399.10.0.133.2

پروایی، ش؛ مام شریفی، پ؛ و شهامت ده سرخ، فاطمه. (۱۴۰۲). مدل خود خاموشی و گرایش به طلاق با نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در زنان متأهل. *رویش روان شناسی*، ۱۲ (۹)، ۱۷۸-۱۶۹.http://frooyesh.ir/article-1-4750-fa.html

دروگر، ا؛ فتحی آشتیانی، ع؛ و اشرفی، ع. (۱۳۹۹). اعتباریابی و پایایی سنجی نسخه فارسی پرسشنامه ذهنی سازی. *روان شناسی بالینی*، ۱۲(۱)، ۱-۱۲. https://doi.org/10.22075/jcp.2020.18897.1745

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]

فتح، ن؛ آزاد فلاح، پ؛ رسول زاده طباطبایی، ک؛ و رحیمی، چ. (۱۳۹۲). روایی و اعتبار پرسشنامه مشکلات بین فردی (IIP-32). *روان شناسی بالینی*، ۵(۳)، ۸۰-۶۹. https://doi.org/10.22075/jcp.2017.2137

Barkham, M., Hardy, G. E., & Startup, M. (1996). The IIP-32: a short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *The British journal of clinical psychology*, *35*(1), 21–35. https://doi.org/10.1111/j.2044-8260.1996.tb01159.x

Bateman, A., Fonagy, P., Campbell, C., Luyten, P., & Debbané, M. (2023). *Cambridge guide to mentalization-based treatment (MBT)*. Cambridge University Press.

Chou, C. P., & Bentler, P. M. (2002). Model modification in structural equation modeling by imposing constraints. *Computational statistics & data analysis*, *41*(2), 271-287. https://ssrn.com/abstract=3133739

Collins, N. L. (1996). Revised adult attachment scale. *Behavior therapy*. http://dx.doi.org/10.15448/1980-8623.2019.2.29567

Farrell, J., & Markman, H. J. (2021). Individual and interpersonal factors in the etiology of marital distress: The example of remarital couples. In *The emerging field of personal relationships* (pp. 251-263). Routledge.

Fonagy, P., Target, M., Steele, H., & Steele, M. (1998). Reflective-functioning manual, version 5.0, for application to adult attachment interviews. London: University College London, 10(4), 1-47. https://doi.org/10.1016/j.jagp.1998.01.098

Fonagy, P., & Campbell, C. (2016). Attachment theory and mentalization. In *The Routledge handbook of psychoanalysis in the social sciences and humanities* (pp. 115-131). Routledge.

Fonagy, P., & Luyten, P. (2018). Attachment, mentalizing, and the self. In W.J. Livesley & R. Larstone (Eds.), *Handbook of personality disorders: Theory, research, and treatment* (pp. 123–140). Guilford Press.

Fonagy, P., Luyten, P., Allison, E., & Campbell, C. (2017). What we have changed our minds about: Part 2. Borderline personality disorder, epistemic trust and the developmental significance of social communication. *Borderline personality disorder and emotion dysregulation*, *4*, 9. https://doi.org/10.1186/s40479-017-0062-8

Gökdağ, C. (2021). How does interpersonal emotion regulation explain psychological distress? The roles of attachment style and social support. *Personality and Individual Differences*, *176*, 110763. https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.paid.2021.110763

Janovsky, T., Rock, A. J., Thorsteinsson, E. B., Clark, G. I., & Murray, C. V. (2020). The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clinical psychology & psychotherapy*, *27*(3), 408–447. https://doi.org/10.1002/cpp.2439

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.

Koelen, J. A., Eurelings-Bontekoe, L. H., & Kempke, S. (2021). Cognitive alexithymia mediates the association between avoidant attachment and interpersonal problems in patients with somatoform disorder. In *Mental Health and Psychopathology* (pp. 161-178). Routledge.

Koppelberg, P., Kersting, A., & Suslow, T. (2023). Alexithymia and interpersonal problems in healthy young individuals. *BMC psychiatry*, *23*(1), 688. https://doi.org/10.1186/s12888-023-05191-z

Law, R., Ravitz, P., Pain, C., & Fonagy, P. (2022). Interpersonal Psychotherapy and Mentalizing-Synergies in Clinical Practice. *American journal of psychotherapy*, *75*(1), 44–50. https://doi.org/10.1176/appi.psychotherapy.20210024

Lüdemann, J., Rabung, S., & Andreas, S. (2021). Systematic Review on Mentalization as Key Factor in Psychotherapy. *International journal of environmental research and public health*, *18*(17), 9161. https://doi.org/10.3390/ijerph18179161

Pellón-Elexpuru, I., Van Dijk, R., Van der Valk, I., Martínez-Pampliega, A., Molleda, A., & Cormenzana, S. (2024). Divorce and physical health: A three-level meta-analysis. *Social science & medicine (1982)*, *352*, 117005. https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117005

Simonsen, S., Popolo, R., Juul, S., Frandsen, F. W., Sørensen, P., & Dimaggio, G. (2022). Treating Avoidant Personality Disorder With Combined Individual Metacognitive Interpersonal Therapy and Group Mentalization-Based Treatment: A Pilot Study. *The Journal of nervous and mental disease*, *210*(3), 163–171. https://doi.org/10.1097/NMD.0000000000001432

Skrobinska, L., Newman-Taylor, K., & Carnelley, K. (2024). Secure attachment imagery facilitates help-seeking and help-acceptance in psychosis. *Psychology and psychotherapy*, *97*(3), 549–561. https://doi.org/10.1111/papt.12530

Sullivan, J. M., Lawson, D. M., & Akay-Sullivan, S. (2020). Insecure Attachment and Therapeutic Bond as Mediators of Social, Relational, and Social Distress and Interpersonal Problems in Adult Females with Childhood Sexual Abuse History. *Journal of child sexual abuse*, *29*(6), 659–676. https://doi.org/10.1080/10538712.2020.1751368

Sun, J., & Miller, C. H. (2023). Insecure attachment styles and phubbing: The mediating role of problematic smartphone use. *Human Behavior and Emerging Technologies*, *2023*(1), 4331787. https://doi.org/10.1155/2023/4331787

Tanzilli, A., Di Giuseppe, M., Giovanardi, G., Boldrini, T., Caviglia, G., Conversano, C., & Lingiardi, V. (2021). Mentalization, attachment, and defense mechanisms: a Psychodynamic Diagnostic Manual-2-oriented empirical investigation. *Research in psychotherapy (Milano)*, *24*(1), 531. https://doi.org/10.4081/ripppo.2021.531

Wagner-Skacel, J., Riedl, D., Kampling, H., & Lampe, A. (2022). Mentalization and dissociation after adverse childhood experiences. *Scientific reports*, *12*(1), 6809. https://doi.org/10.1038/s41598-022-10787-8

Wanberg, C. R., Csillag, B., & Duffy, M. K. (2023). After the break-up: How divorcing affects individuals at work. *Personnel Psychology*, *76*(1), 77-112. https://doi.org/10.1111/peps.12547

Wolchik, S. A., Sandler, I. N., & Israelashvili, M. (2023). *Adjustment to divorce*. In Prevention of maladjustment to life course transitions (pp. 221-244). Cham: Springer International Publishing.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.175]